

## \* پیامدهای باور به شهود شاهدان و اشتیاق به دیدار خداوند در حیات بشر از منظر قرآن و زیارت امین الله

اعظم پرچم<sup>۱</sup>

نازیلا عادل فر<sup>۲</sup>

مهدی مطیعی

### چکیده

خداوند بصیر، خود در همه حال شاهد تمام اعمال و افکار مخلوقاتش است؛ اما برای اتمام حجت بر بشر، شاهدان دیگری برایشان قرار داده است. برخی از آن شهود که دارای علم‌اند، اجازه شفاعت نیز دارند. از این رو باور به شهادت آنها در زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها نقش بیشتری دارد. این نوشتار در صدد است ضمن معرفی اجمالی شاهدان قیامت، پیامدهای باور به آنها را در حیات بشر و تربیت دینی افراد به روش تحلیلی بیان نماید. از منظر قرآن و با استفاده از زیارت امین الله ارتباطی بین باور به شهود، با کاهش گناه و افزایش اعمال صالح به دست می‌آید. به تبع آن از دیدار امید به ملاقات خدا با شادی نتیجه‌گیری می‌شود. پیامدهای این افزایش امید عبارت است از رضایت به سرنوشت، شکر گزاری و صبوری. موارد یاد شده، به بهبود زندگی فردی و

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۳.

۹۵

azamparcham@gmail.com

۱. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

adelfar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول)

## مقدمه

یکی از نام‌های قیامت یوم الحساب است و از ملزمومات دادگاه عدل الهی، حضور و شهادت شاهدان است. در موقف شهادت، علاوه بر خداوند، شاهدان دیگری نیز بر اعمال انسان گواهی می‌دهند. گرچه اعمال آدمی عینیت و تجسم یافته و قابل انکار نیست، اما خداوند برای تأکید به بندگان بر مواظبت بر اعمال و افکارشان در همه جا و همه وقت شاهدان دیگری نیز می‌آورد. از میان این شهود، شهادت پیامبر ﷺ گسترده‌تر است، چرا که در قرآن و روایات شاهد امت خود و سایر انبیاء ﷺ معرفی شده‌اند. پس از آن بر شهادت سایر انبیاء و ائمه ﷺ، که حجت امت زمان خود هستند، تأکید شده است. این مسأله به نوعی وجود علم و بصیرت بر اعمال مردم را توسط حجت زمان به اثبات می‌رساند، چون شهادت بدون علم، ارزش مطرح شدن در دادگاه عدل الهی را ندارد.

شهادت شهود متعدد بر اعمال آدمی در حیات دنیوی و اخروی نقش دارد. در حیات آخرت برای اتمام حجت و در زندگی دنیا باور به شهادت شهود بر بهبود زندگی انسان‌ها و افزایش تقوی و اعمال صالح آنها اثر می‌گذارد. اگر کسی باور کند کوچک‌ترین عملش و حتی افکارش مورد نظر واقع می‌شود، در مورد اعمال و افکار خوب جنبه تشویقی و در امور منفی جنبه بازدارنده دارد. در واقع شهود شاهدان حکم دوربین‌های همیشه روشن را دارد که همه چیز را تحت نظر دارد و ثبت و ضبط می‌کند.

یکی از پیامدهای باور به شهادت شهود، گسترش اعمال نیک است و بین افزایش اعمال صالح طبق آیه آخر سوره کهف و امید به لقاء الله رابطه مستقیمی وجود دارد و آثاری نیز در پی دارد. برخی از آثار آن از زیارت امین الله قابل

استخراج است، از جمله از دیاد رضایتمندی از زندگی و سرنوشت اعمال، شکرگزاری، صبر در برابر بلاها و تحمل مشکلات زندگی. حاصل این امور، بهبود سطح زندگی فردی و اجتماعی، کاهش میزان افسردگی و رضایت از زندگی است.

(۹۷)

برخی کتاب‌ها و دو مقاله در این خصوص به مسئله شاهدان قیامت پرداخته‌اند، اما پیامدهای دنیوی آن در هیچ‌کدام تحلیل نشده است. از جمله در مقاله آقای میر باقری تأکید بر شهادت پیامبر ﷺ بر اعمال همه انسان‌هاست. و در مقاله شهود در قرآن از آقای آصفی شاهد را به عنوان یادآورنده (ذاکر) و الگو معرفی کرده است و تأکید مقاله بر مبحث ذکر است و این که شاهدان همان شفیعان هستند. عدم بررسی پیامدهای باور به شهادت شهود، در پیشینه این مبحث، ضرورت طرح آن را بیشتر می‌کند.

#### ۱. شاهدان قیامت: گواهان اعمال انسان

به طور کلی می‌توان شهود را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

##### ۱. شهودی که فقط شاهدند:

۲. شهودی که علاوه بر شهادت، مجوز شفاعت نیز دارند. مسلماً باور به شهادت دسته دوم اثرات یافته دارد، زیرا با علم شهادت می‌دهند و در عین شهادت، اجازه شفاعت و وساطت نیز به اذن خداوند پیدا می‌کنند. این یک رابطه حبی بین انسان‌ها و شهود ایجاد می‌کند. در ادامه هر کدام از شهود براساس تقسیم‌بندی بالا به اجمال توضیح داده می‌شود و سپس آثار و پیامدهای آن با استفاده از زیارت امین‌الله بررسی می‌گردد.

##### ۱- شهودی که فقط شاهدند

این دسته دارای علم گروه دوم نیستند و اذن شفاعت نیز ندارند و عبارتند از زمین و زمان، اعضای بدن و اعمال تجسم یافته.

### ۱.۱.۱-زمین

منظور از شهادت زمین بیان وقایعی است که روی آن صورت گرفته است. همان طور که خداوند می‌فرماید: «يُوْمَئِذٍ تَحَدَّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (زلزله ۴/۵). از نظر برخی مفسرین زمین به زبان قالی و نه حالی و به معنای حقیقی و نه مجازی سخن می‌گوید. خدا وحی می‌کند به زمین یعنی دستور می‌دهد به او که خبر ده از اعمال مردم که بر تو واقع شده است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱۰، ص ۳۱۹). در برخی احادیث توصیه شده که هر جا می‌رسید، در آنجا نماز بگزارید که در قیامت آن قطعه از زمین بر نماز شما گواهی می‌دهد (بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۳۱۸).

﴿۹۸﴾

گرچه همه زمین شاهد اعمال است، ولی امام سجاد علیه السلام روی شهادت سرزمین منطقه نمرات<sup>۱</sup> در عرفات تأکید کرده‌اند، چرا که آنجا سرزمین شهادت، و معرفت و عرفان است و می‌داند چه کسانی بر روی آن قدم می‌گذارند و با چه هدفی آمده‌اند و با چه انگیزه‌ای برمی‌گردند. خداوند این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۷۸). از آنجا که عرفات محل معرفت است، نیت افراد نیز مورد شهادت زمین آن منطقه خاص قرار می‌گیرد. در تفاسیر ذیل آیه «وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ» (بروج ۳)، طی روایاتی از رسول خدام علیه السلام مکرر آمده: «ان الشاهد يوْم الجمعة و المشهود يوْم عرفة» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۳۱؛ عروسوی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۴۳) این دسته روایات مشخص می‌کند روی شهادت روز عرفه و صحرای عرفات تأکید ویژه‌ای است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
جَنَاحَةُ الْإِنْسَانِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
وَكَلَّا لِمَنْ يَرَى  
لِمَنْ يَرَى لِمَنْ يَرَى

از دلایل نقلی (روایی و قرآنی) برمی‌آید زمین و آنچه در آن است دارای شعور و شهود هستند و در قیامت از حیات برخوردارند و شهادت می‌دهند؛ از این رو در آیات قرآن آنها را مسبّح<sup>۲</sup> خداوند معرفی کرده است. بنابر عقیده برخی از مفسران تسبیح زمین و آسمان و موجودات آن، حقیقی و قالی و از روی شعور و ادراک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۱۰؛ عروسوی حویزی، ۱۴۱۵ق،

ج ۳، ص ۱۶۹). بنابراین به امر خداوند قادرند شهادت بدهنند. چنانچه مولانا سروده است:

﴿۹۹﴾

با تو می گویند در سر و عیان با شما نامحرمان ما خامشیم	جمله ذرات روزان و شبان ما سمیعیم و علیم و باهشیم
--	---

### ۲.۱.۱- زمان

در مورد شهادت زمان، دلایلی از سخنان ائمه علیهم السلام موجود است. از جمله در قسمتی از کلام امام سجاد علیه السلام: «... و هذا یوم حادث جدید، و هو علينا شاهد عتید، ان أحسنا ود عنا بحمد، و ان أسانا فارقنا بدم» (عروسوی حوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۴۳)؛ هر روز که آغاز می شود، به انسان هشدار می دهد و می گوید، من روزی نو هستم و گواه اعمال تو به روز قیامت می باشم. از رسول خدا علیه السلام و حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام نیز روایاتی شیبیه همین مضمون نقل شده است (همان).

### ۲.۱.۲- اعضا و جوارح بدن انسان

آیاتی که بر این شهود دلالت دارند عبارتند از «هَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهَدَ عَلَيْهِمْ سَعْهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فصلت / ۲۰). علامه از این آیه نتیجه گرفته که در دنیا، اعضای بدن آدمی، نوعی درک، شعور، علم و بینایی دارند، چون اگر تحمل شهادت در هنگام عمل نداشته باشند و تنها خدا در روز قیامت چنین شعور و نطقی به اعضا بدهد، اطلاق شهادت بر آن صحیح نیست و با این چنین شهادتی حجت بر بندۀ خدا تمام نمی شود (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۷۴). آیه دیگر دال بر شهادت اعضا و جوارح انسان‌ها، آیه «يَوْمَ تَشَهَّدُ عَلَيْهِمْ أَسْنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور / ۲۴) است.

درباره نحوه شهادت اعضا و جوارح، چند نظر وجود دارد:

۱. خدا امکان سخن گفتن، به آنها می دهد؛

۲. متکلم خود خدا و اعضاء محل کلام است؟

۳. خداوند در آنها علامتی قرار می‌دهد که به منزله سخن گفتن و شهادت دادن است، اما شهادت زبان‌ها این است که وقتی می‌بینند انکار سودی برایشان ندارد، ناچار اعتراف می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۱). در واقع هر عضوی، خود می‌گوید که چه کرده است. اما گواهی اعضای بدن تنها برای گاهه‌کارانی است که باید گرفتار عذاب شوند و برای مؤمنان انجام نمی‌پذیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۱۸). این از الطاف خداوند رحیم بر بنده‌گان مؤمن خود می‌باشد که وقتی قرار است دچار عذاب نگردد و به بهشت برود، آبرویش حفظ شود و خطاهایش، بر ملا نگردد.

#### ۴.۱.۱- آدھی اعمال

طبق آنچه که از آیات و روایات به دست می‌آید، اعمال آدمی در قیامت، تجسم می‌یابند و در پیش او نمودار می‌شوند، به طوری که هر فرد عین عمل خویش را می‌بیند. در این خصوص نقل‌ها و حکایات زیادی در کتاب‌های مربوطه آمده که مجال بحث در این نوشتار نیست (ر.ک. مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۱۷۸ و ۱۸۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، صص ۲۳۶ و ۲۰۰؛ ج ۲۵، صص ۶۵۳ و ۶۵۵؛ ج ۲۶، ص ۵۴۷).

در قرآن نیز آیاتی در تأیید این مطلب وجود دارد: «فَمَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله ۸/۷). این تعبیر قرآن بسیار اثربخش است، چرا که وقتی کسی عین عمل را دید جای هیچ توجیه یا انکاری باقی نمی‌ماند، و حکم قوی‌ترین شاهد را دارد. عمل انسان به اذن حق، حیات و حضور می‌یابد، و این ماهیت قیامت است که همه چیز (از جمله اعمال آدمی) در آنجا زنده است «...وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهُىَ الْحَيَاةُ...» (عنکبوت، ۶۴). برای یک مسلمان همین دو آیه برای رعایت تقوا کفایت می‌کند. البته بسیاری از مفسرین دیدن عمل را به معنای جزای عمل، یا کتاب اعمال گرفته‌اند، از جمله: علامه،

طبرسی، سیوطی، زمخشیری، آلوسی، بانو امین؛ اما برخی آن را رؤیت نفس عمل تفسیر کرده‌اند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۰۰). سایر آیات قرآن قول دوم را تقویت می‌نماید: «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حاضِرًا» (کهف/۴۹) یا «يَوْمَ تَبَدَّلُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا» (آل عمران/۳۰) همچنین: «...وَإِنْ كَانَ مُتَقَالَ حَبَّةً مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا...» (انبیاء/۴۷). در روایات بسیاری نیز بر این مسأله تأکید شده است، که تنها به ذکر دو نمونه از امام صادق علیه السلام اکتفا می‌شود:

۱. «هر کس پاره‌ای از مال برادر (دینی) خود را به ستم بخورد و (آن یا عوض آن را) به او باز نگرداند، در روز رستاخیز پاره‌ای آتش خواهد خورد». در شرح این حدیث دانشمندان گفته‌اند دلالت بر تجسم اعمال در عالم دیگر دارد و خوردن آتش در آن عالم صورت حقیقی و باطنی و تکمیل شده خوردن مال دیگری را در این عالم نشان می‌دهد (ابن بابویه، بی‌تا، ص ۶۲۳).
۲. «اعمل ما شئت فانک ملاقیه...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۸۹).

## ۲.۱-شهودی که علاوه بر شهادت مجوز شفاعت نیز دارد

ابتدا لازم است تعریفی از شفاعت ارائه گردد. حقیقت شفاعت واسطه شدن در رساندن نفع یا دفع شر است، به عنوان حکومت، نه به عنوان تضاد و تعارض. شفاعت از مصاديق سبیت است و عبارت است از وساطت سبب قریب میان سبب بعید و مسبيش (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۹). یا «شفاعت دعایی است که خداوند آن را اجابت می‌کند و احادیث واردہ در صحیحین براین مطلب صحه می‌گذارد که پیامبر ﷺ در قیامت بر خدا سجده می‌کند ... و به او می‌گویید: سرت را بالا بیاور و بخواه تا اجابت شود و شفاعت کن تا مورد قبول واقع شوی. شفاعت به این معنی نیست که خدا از اراده‌اش بر می‌گردد، بلکه به معنای اظهار کرامت شفاعت کننده است، مبنی بر این که اراده ازلی اش به دنبال

دعاوی او تحقق می‌یابد» (رشید رضا<sup>۳</sup>، ۱۳۵۴ق، ج ۱، ص ۳۰۸).

این دسته از شاهدان، عالم نیز هستند و با علم خویش شهادت داده از این رو می‌توانند اذن شفاعت از خداوند دریافت کنند.

### ۱.۲.۱- خداوند

مهم‌ترین شاهد قیامت، خداوند عالم و بصیر<sup>۴</sup> است که اجازه شفاعت سایر شفیعان به فرمان او است. خداوند گواهی خویش را توسط الهام به فرشتگان مأمور حساب بیان می‌دارد «وَ إِمَّا نُرِبِّنَكُ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّنَكُ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَيْ مَا يَفْعَلُونَ» (یونس/۴۶). برخی مفسرین ذیل این آیه آورده‌اند اقتضا و نتیجه شهادت خداوند عقاب است و در واقع شهادت پروردگار هنگامی که پوست و زبان و دست و پای آنها به سخن در آمده و بر علیه آنان شهادت می‌دهد تأیید می‌شود (زمخشري، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰).

خداوند از پنهان و آشکار همه آگاه است، زیرا: «وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴) نیات درونی را می‌داند و از رگ گردن نزدیکتر است، چنانچه فرمود: «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرَيدِ» (ق/۱۶) از این رو خود بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شاهد قیامت است. شاهدی که عادل است و حتی کوچک‌ترین چیزها را برای اجرای عدالت، بادقت در حسابرسی می‌آورد و برای این کار کافی است. چنانچه می‌فرماید: «وَ نَصَعُ الْمُوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِتْقَالٌ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء/۴۷). همچنین در برخی دیگر از سوره‌ها نیز به این مهم اشاره می‌نماید (لقمان/۱۶؛ زلزله/۷ و ۸).

وقتی انسان بداند که قلب او در محضر و مشهد حق است، فکر گناه و آرزوی باطل هم نخواهد داشت و حتی بدی کسی را نیز در دل نمی‌خواهد و قلب خود را از خاطرات آلوده تطهیر می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، صص ۷۴-۷۵) و این از

پیامدهای بارز باور به شهادت حق تعالی است.

### ۲.۲.۱- پیامبران الهی

(۱۰۳)

هر پیامبری بر اعمال امت خویش گواهی می دهد؛ اما پیغمبر اسلام ﷺ بر اعمال انسیاء پیش از خود نیز گواهی می دهد: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء ۴۱) مفسران خطاب در «بک» را به رسول خدا ﷺ گرفته اند و منظور از «علیٰ هَؤُلَاءِ» را امت؛ و شهادت به نفع کسی یا بر علیه او را نوعی اتمام حجت دانسته اند. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۰۱) آیه دیگر مؤید این مطلب، عبارت است از: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ...» (نحل/۸۹). از این آیه استنباط می شود که هیچ زمانی نباید حالی از فردی باشد که سخنش بر مردم زمانش حجت باشد. و این مطابق با عدل خداوند است. این قول از جایی و بیشتر معتبرله است که موافق نظر امامیه است، با این تفاوت که امامیه می گویند: این حجت عادل، تنها از جانب خداوند می تواند باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۸۶).

در آیه ۶۹ سوره زمر شاهدان و مکان قضاوت را مشخص می کند: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بُنُورَ رَبِّهَا وَ وُضَعَ الْكِتَابُ وَ جَاءَ بِالنَّبِيِّنَ وَ الشَّهِداءِ وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (زمر/۶۹) مکان حسابرسی و شهادت انسیاء ﷺ و شاهدان بر اعمال امت و نیز بر تبلیغ رسالت، زمین است، گرچه این زمین به نوعی دیگر (از نوع قیامتی) تبدیل شده باشد با استناد به آیه «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْفَهَارِ» (ابراهیم/۴۸).

در مورد شهادت پیامبران ﷺ، آیات زیر نیز گواه است: «وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهَدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (زخرف/۸۶). صاحب مجمع می گوید: یعنی کسانی که کفار آنها را معبد خود گرفته اند، و برایشان عبادت می کنند، یعنی بتان و سایر معبد هایشان، قدرت شفاعت ندارند، کفار به

صورت توهی از این معبدهای غیر حقیقی حاجت می‌خواهد و آمرزش می‌طلبند و تقاضای دفع عذاب از آنان دارند. در قسمت انتهای آیه «إِلَّا مَنْ شَهَدَ بِالْحَقِّ» خداوند کسانی را که گواهان بر حق هستند، از میان معبدان باطل استثناء نموده است و طبق نقل قول قادة عبارتند از عیسی بن مریم و عزیر و فرشتگان، ایشان نزد خدا منزلت شفاعت دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۰). بنابراین کسانی می‌توانند شفاعت کنند که دارای دو صفت «علم» و «شهادت» باشند و این دو صفت طبق آیات قرآن (آل عمران/۴۸؛ مائدہ/۱۱۷؛ نساء/۱۵۹) برای حضرت عیسی ﷺ ثابت است، بنابراین حضرت مسیح ﷺ از شاهدان با اذن شفاعت در روز قیامت خواهد بود (پرچم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰).

سؤال از پیامبران ﷺ در قیامت یا به منظور شهادت است یا اتمام حجت **﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ، وَ لَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾** (اعراف/۶). خدا در قیامت از هر قومی که پیامبر برایشان فرستاده و از پیغمبران ﷺ پرسش می‌نماید با این که خداوند خود داناتر است، اما در قیامت از آنها می‌پرسد تا بر کافران که حق را نپذیرفتند، حجت تمام کند و برایشان عذری نماند (میدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۵۱). برخی نیز می‌گویند: از امت‌ها به منظور توبیخ و از پیامبران ﷺ به منظور شهادت سؤال می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۱۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۲۲)؛ اگر چه این پرسش در قیامت صورت می‌گیرد، ولی تحمل این شهادت در دنیا خواهد بود، چنان که می‌فرماید: **﴿وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي، كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾** (مائده/۱۱۷). در آیه مذکور حضرت عیسی ﷺ می‌فرماید من تا در میانه آنان بودم، شاهد بر آنان بودم، ولی وقتی جان مرا گرفتی، دیگر خودت مراقب آنان بودی، و تو بر هر چیزی شاهد و مراقبی. جمله **﴿كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ﴾** بر حصر دلالت می‌کند و لازمه آن این است که خدا هم در ایام زندگی عیسی ﷺ و هم بعد از او شاهد باشد. پس شهادت عیسی ﷺ بر امتش مستقل نبوده، بلکه عیسی واسطه در

شهادت بوده است. بنابراین خداوند هم با وجود شاهدان و هم بدون آنان شهید است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۴۸). چنانچه پیش از این گذشت خداوند به عنوان مهم‌ترین شاهد اعمال است.

﴿۱۰۵﴾

آیه دیگری که بر شهادت حضرت عیسیٰ ﷺ در روز قیامت بر مردم خود دلالت می‌کند، عبارت است از «...وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (نساء/۱۵۹)؛ یعنی در روز قیامت عیسیٰ ﷺ بر آنها شاهد است که رسالت پروردگارش را به آنها رسانیده و خود اقرار به عبودیت نموده و این که آنها را دعوت نموده که او را الله بدانند (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۲۱۹).

احتمال دارد گواه بودن پیامبران ﷺ به این معنا باشد که آنان میزان سنجش اعمال‌اند؛ یعنی نمونه‌ای برای نشان دادن کردار خوب خوبان و کردار رشت زشتکاران (فرهنگ شیعه، ۱۳۸۶، ص ۲۹۴) و رفتار دیگران با آنها به عنوان یک الگوی کامل، سنجیده شود. چنانچه می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۱) و «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ...» (ممتحنه/۴). شرط شهادت آن است که شاهد، نخست عمل را ببیند و به آن علم پیدا کند، و آنگاه براساس آنچه دیده گواهی دهد. این نشان می‌دهد که شاهدان قیامت، در دنیا ناظر اعمال بندگانند و گرنۀ شهادت آنها معنی نداشت. در اینکه خداوند همواره شاهد اعمال آدمی است شکی نیست؛ اما پیامبران و اوصیای آنان که از بهترین مؤمنان هستند نیز از راه ولایت باطنی و علم الهی بدین کار توفيق می‌یابند چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتَرُّونَ إِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵).

### ۳.۲.۱- امامان معصوم ﷺ

برخی از مفسران از آیه ۱۴۳ سوره بقره و روایات ذیل آن، شهادت امامان معصوم ﷺ را استبطاط کرده‌اند، «وَ كَذِلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أَمَّةً وَ سَطَا لِتَكُونُوا شُهَداءً

عَلَى النَّاسِ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً...» (بقره ۱۴۳). با توجه به این که همه افراد امت اسلامی، بر راه میانه نبوده‌اند و ویژگی‌های شهادت را نداشته‌اند، می‌توان دریافت که مراد از «امت میانه» در آیه مورد نظر، افرادی برگزیده است. در روایات نیز آمده است که مراد از «امت میانه» امامان معصوم عليهم السلام است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۷). علامه نیز ذیل این آیه می‌گوید آن شاهدی از میان شهود که در روز قیامت حاضر می‌شود، همان شاهدی است که در این نشانه دنیا نیز حضور دارد و یک گونه حیاتی دارد که توسط آن، خصوصیات اعمال مردم را درمی‌یابد و در او نقش می‌بندد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۲).

کلینی در کتاب کافی فصلی آورده تحت عنوان «باب فی أَنَّ الْأَئِمَّةَ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ» و روایاتی در این زمینه آورده است، از جمله این که برید عجلی راجع به آیه فوق از امام صادق عليه السلام سؤال می‌کند. امام عليه السلام می‌فرماید: «نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوُسْطَى وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّجُهُ فِي أَرْضِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). در این روایت امام تأکید می‌کنند شاهدان خدا بر مردم و حجت او در زمین هستند. در ادامه حديث فوق برید از آیه ﴿لَيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ﴾ می‌پرسد و امام پاسخ می‌دهند: «فَرَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الشَّهِيدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَغَنَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَقَ صَدْقَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كَذَّبَ كَذَّبَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). این روایت و همچنین آیه ۸۹ سوره نحل که پیش از این ذکر شد، نشان می‌دهد ائمه عليهم السلام شاهدان بر مردم هستند و پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم شاهد بر امامان و بر سایر انبیاء عليهم السلام و شهود دیگر می‌باشد.

علامه پس از بحثی نسبتاً مفصل در این زمینه نتیجه گرفته که باید این شاهدان معصوم باشد، از دروغ و لغو دوری کند و به حقایق اعمالی که بر آن شهادت می‌دهد عالم باشد، البته نه این که فقط صورت محسوس عمل را ببیند، بلکه باید حقیقت و نیت درونی آن را نیز بداند، و (شهادت برای) مردم حاضر و غایب

برایش یکسان باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۲۳). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَهَرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۰). در این حدیث امام ضمن معرفی خود و سایر ائمه به عنوان شاهدان بر خلق خدا، ویژگی‌های شاهد را نیز بیان می‌دارد که عبارتند از طهارت<sup>۵</sup>، عصمت، معیت با قرآن و جدایی ناپذیری از آن. در حدیث ثقلین نیز پیامبر ﷺ تأکید می‌نماید که این ویژگی آخر یعنی جدایی ناپذیری از قرآن مخصوص اهل‌بیت ﷺ از عترتشان است.

#### ۴.۲.۱- فرشتگان الهی

برخی از آیاتی که دلالت بر شهادت فرشتگان می‌کند در سوره ق، مطرح شده است مانند: «إِذْ يَتَلَقَّ الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَالِ قَعِيدُ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدِيهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق ۱۷ و ۱۸). انسان سخنی نمی‌گوید مگر آن که آن دو ملک نزد او مهیا و آمده‌اند مأمور بر ضبط تمام اعمال‌نند، حتی اگر یک کلمه باشد و نیز در روز معاد شاهد و گواه بر اعمال او هستند، گرچه علم خدا محیط بر همه چیز است، ولی شاید برای این که در روز جزا هر کسی اعمال و افعال خود را مشاهده نماید باید اعمالش ضبط شده تا آن که خودش نیز مشاهده نماید و ملائکه نیز شهادت دهند (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۲۷۶) و آیه «وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ» (ق ۲۱). آیات قبل دلالت بر شهادت فرشتگان در دنیا داشت و این آیه مربوط به شهادت آنها در صحنه قیامت است (البته همان‌طور که گذشت شهادت در آخرت منوط به شاهد بودن در دنیا است). علامه با استفاده از سیاق آیات می‌گوید سائق و شهید از جنس ملائکه‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۲۳). از قول ضحاک نقل شده سائق از فرشتگان است، شهید و گواه خود فرد است (یعنی اندامش که بر او گواهی می‌دهد). از قول عبد الله عباس آمده:

سایق، فرشتگانند و گواه، عمل او. برخی دیگر گفته‌اند، هم سایق و هم گواه فرشتگان هستند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۶۹).

در قرآن بحث حضور فرشتگان به عنوان شاهد و کاتب اعمال آدمی را بسیار مطرح کرده ﴿وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ (انعام ۶۱) ﴿وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾: مفسرین ذیل این آیه راجع به جمله ﴿يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً﴾ می‌گویند: یعنی خداوند فرشتگانی به سوی شما می‌فرستد که اعمال شما را حفظ کنند، همه را حساب کرده و بنویسند، تا بدانید که آنها از سوی خدا نگهبان و ثبت کننده اعمال شما هستند این کار لطف به بندگان است تا از گناهان اجتناب کنند و چنانچه عملی انجام دهنده قیامت به آن شهادت می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۸).

ائمه علیهم السلام نیز ذیل آیات مربوطه و سایر روایات بر این امر پرداخته‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۱۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۹) به عنوان نمونه امیر المؤمنین علیه السلام هنگام غروب می‌فرمود: «مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَ الْكَاتِبِ الشَّهِيدِ اكْتُبَا بِسْمِ اللَّهِ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۳۰). طبق این سخن هر روز فرشته‌ای جدید به عنوان کاتب و شاهد اعمال بر هر کس گمارده می‌شود. فرشتگان نیز دارای دو صفت علم و شهادت‌اند و طبق نقل صاحب مجمع از قتاده که در بخش پیامبران الهی، گذشت ملانکه نیز برای مؤمنین اذن شفاعت دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۰).

۲. پیامدهای باور به شهادت شاهدان در زندگی دنیوی با استفاده از زیارت امین الله هر چه میزان شناخت علم شاهدان و نحوه عملکردشان در شهادت افزایش یابد، اثرات باور به شهود آنان بیشتر خواهد شد و زین پس به این پیامدها پرداخته می‌شود.

## ۱.۲- بالا رفتن کمیت و کیفیت اعمال صالح

براساس تفسیر آیه (۱۴۳) سوره بقره<sup>۹</sup> شاهد باید بر انسان ولايت داشته باشد تا

(۱۰۹)

بتواند نیت افراد را متوجه شود و عمل غایب انسان را نیز بداند و به آن شهادت دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۳). این ولايت مراتب دارد و مراتب پایین آن حتی در نزد اساتید عرفانی نسبت به شاگردانشان وجود داشته است و در این مورد نقل‌های فراوانی در زندگی بزرگان و اولیاء از جمله علامه علیه السلام رسیده که گاه استاد با این که در مکانی دور از شاگرد بوده است، خطای او را متوجه شده، تذکر داده یا حتی فکر او را خوانده<sup>۱۰</sup> و جواب اشکال وی را گفته است. مراتب عالی و کامل این ولايت نزد معصوم علیه السلام است، به گونه‌ای که هیچ چیز از نیات، افکار و اعمال، از نظر آنان پنهان نیست و گرنه شهادت بر کل امتشان معنا نداشت، به ویژه شهادت پیامبر علیه السلام که شاهد انبیای زمان قبل از خود هستند محل تأمل است. اگر این مطلب به باور قلی بر سر و فراموش نشود، زندگی متفاوت خواهد شد و دنیا و روابط انسان‌ها شکل دیگری خواهد گرفت؛ ویژگی‌هایی که در روایت امیر المؤمنین علیه السلام برای شاهد ذکر شد، عبارت بود از عصمت و طهارت این دو صفت روش می‌سازد که «شاهد» خطأ و اشتباه نمی‌کند و طبق هواي نفس نيز شهادتی نمی‌دهد. هر آنچه شهادت دهد عین حق است. طبق حدیث ثقلین، شاهد با این دو ویژگی از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از او جدا نمی‌شود، از این رو در برخی منابع قرآن را نیز به عنوان شافع و شاهد اعمال ذکر کرده‌اند به طوری که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعٌ لِّأَحْسَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۲۲). همچنین «قرآن در قیامت به زیباترین صورت ظهر می‌یابد و بدین سان، به سود کسی که او را تلاوت کرده و بدان عمل نموده است، گواهی می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۳۷).

امامان معصوم علیه السلام قرآن ناطق و عملی نیز خوانده شده‌اند. امیر المؤمنین علیه السلام

نیز راجع به مقام خود فرمودند که از قرآن جدایی ناپذیرند «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَهَرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

هر کسی که ائمه علیهم السلام، به ویژه امام عصر علیهم السلام، را به عنوان امام زنده، همواره به صورت شاهد بر همه اعمال، افکار و نیات خود در نظر بگیرد و به این امر باور قلبی داشته باشد، شرم می‌کند بسیاری از خطاهای دورویی‌ها با خدا و خلق او را مرتکب شود. به عنوان مثال در محیط‌هایی مانند شرکت‌ها، فروشگاه‌ها، بزرگراه‌ها و جاده‌ها که دوربین نصب می‌شود و افراد می‌دانند چشم پنهانی همواره مراقب کارهای آنهاست، قطعاً کار خود را بهتر انجام می‌دهند و سعی می‌کند خطایی مرتکب نشوند حتی برای افراد وظیفه‌شناس این امر حالت تشویقی دارد و سبب می‌شود شخص بداند اعمال نیکش نادیده گرفته نمی‌شود و بین او و کسانی که از وظایف خود کوتاهی می‌کنند تفاوت هست.

حال تصور کنیم شاهدانی که خداوند قرار داده است بسیار پیشرفته‌ترند، زیرا نه تنها شاهد اعمال آدمی هستند، بلکه برخی از آنها از جمله خود خداوند و حجتش شاهد نیات و افکار هم هستند. این کنترل قوی چقدر می‌تواند در بالا بردن کیفیت اعمال صالح بندگان تأثیر مثبت بگذارد و چه بسیار از خطاهای افراد کم می‌کند. کسی که اعلام خدا در وجود این شاهدان را جدی بگیرد، در انجام وظایف بندگی خود در هر لحظه و در هر موقعیت کوتاهی نمی‌کند، و همواره شاهدان را ناظر بر اعمال خود حس می‌کند و در نظر می‌گیرد. از این رو کیفیت و کمیت اعمال صالح او بالا می‌رود. این امر اثراتی دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

## ۲.۲- امید به ملاقات خداوند

همان‌طور که بیان شد، باور به شهود شاهدان منجر به بالا رفتن کیفیت و کمیت

اعمال صالح می‌شود که این نیز تبعاتی دارد. یکی از آنها امید پیدا کردن به لقاء خداوند است زیرا براساس آیه «... فَمَنْ كَانَ يَرْجُو أَلْقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰)؛ هر کس به ملاقات خدا امیدوار است باید اعمال صالح انجام دهد و در صورت انجام کارهای نیک، این امید (به لقاء الله) در روی افرون می‌گردد، پس بین این دو رابطه متقابل وجود دارد. در اهمیت این آیه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَنْزَلْ عَلَى أَمْتَى الْأَخَاتَمَةِ سُورَةُ الْكَهْفِ لَكَفْتُهُمْ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۸). پس باید حاوی مطالب ویژه‌ای باشد که فرمودند اگر از قرآن غیر از آیه آخر سوره کهف بر من نازل نشده بود همان یک آیه برای امت من کافی بود.

طبق آیه کسی که آرزوی لقاء رحمت الهی را در دل دارد باید در دو عمل جدیت بسیار داشته باشد، یکی در عمل صالح یعنی عملی که لائق پیشگاه قرب جوار احادیث باشد، دیگری این که موحد خالص باشد و در عمل کسی را با خدا شریک نیاورد. پس برای انسان راهی به سوی حق تعالی نیست، مگر همین ایمان کاملی که توأم با عمل صالح و خلوص نیت باشد (بانو امین، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۹۱). مفسرین در مورد آیه مذکور روی کارهای نیک با اخلاص و عمل بدون ریا تأکید نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۰۶؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۶، ص ۷۷۰).

از سایر آیات قرآن نیز می‌توان ارتباط بین عمل صالح و لقاء الله را دریافت. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبَرِ وَ الصَّلَوةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاسِعِينَ الَّذِينَ يَظْلَمُونَ أَنَّهُمْ مُّلَاقُوا رَبَّهُمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره ۴۵) و (۴۶)؛ پس کسانی که اعمال صالحی همچون نماز و صبر (که به روزه تفسیر شده است) برایشان سخت و ثقيل نیست (یعنی خاسعین) همان کسانی هستند که باور به ملاقات پروردگارشان دارند، از این رو همواره بین کارهای پسندیده و ملاقات خدا ارتباط دو طرفه وجود دارد و امید به لقاء الله، که از پیامدهای اعتقاد به وجود

شاهدان قیامت و اعمال نیک است، متقابلاً اعمال صالح را سهل می‌نماید. علاوه بر آن آثار دیگری نیز در پی دارد که از درخواست‌های امام سجاد علیه السلام در زیارت امین الله قابل استخراج است.

### ۳.۲- آثار باور به وجود شاهدان و اشتیاق به لقاء الله با استفاده از زیارت امین الله

چنانچه در قسمت اول پیامدها ذکر شد وجود شاهدان و اعتقاد به این مسأله، اعمال صالح را از لحاظ کمی و کیفی تقویت می‌کند و با افزایش اعمال نیک، شوق و امید به لقاء الله تقویت می‌شود، چرا که این دو بر هم اثر متقابل دارند. همچنین از ارتباط فرازهای دعای امام سجاد علیه السلام در زیارت امین الله «اللَّهُمَّ فاجعِلْ نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك، مولعة بذكرك و دعائك؛ محبّة لصفوة أوليائك؛ محبوبة في أرضك و سمائك؛ صابرة على نزول بلائك، شاكرة لفواضل نعمائك، ذاكرا لسباغ آلاتك، مشتاقة إلى فرحة لقائك...» مشخص می‌شود، امید و اشتیاق به دیدار خداوند که از پیامدهای اعتقاد به وجود شاهدان قیامت است، نیز آثاری دارد که در بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی و حیات اخروی بشر بسیار مؤثر است و در ادامه بیان می‌شود. برای تبیین بهتر، این مسأله در پایان این نوشتار ارتباط موارد مذکور به صورت شکل‌هایی نشان داده شده است.

### ۱.۳.۲- اطمینان به قدر و رضایت به قضای الهی

در مسیر توحید و بندگی با اعمال صالح قرار است انسان به این نوع از آرامش برسد، که به قضا و قدر الهی و سرنوشت خویش اطمینان و رضایت داشته باشد. زیرا جایگاه انسان نزد خداست «...إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/١٥٦)؛ رجوع مردم به سوی خدا، بازگشت به فطرت و جایگاه آرامش اولیه او است. از این رو فطرت انسان آرامش خواه است، اما چون از این مرتبه پایین آمده، به شکل‌های گوناگون مضطرب است، اما اضطراب مناسب فطرتش نیست، بنابراین از آن

می گریزد و برای یافتن آن به هر کاری دست می زند. انسان هرگاه از یاد خدا غافل شود مضطرب است تا وقتی که با یاد او آرام گیرد. شرط این آرامش، ایمان و اطمینان قلب با ذکر است «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸). این اطمینان صادق است. در زیارت امین الله نیز امام علی‌الله علیه السلام درخواست حریص بودن به یاد خدا را دارند: «مولعة بذكرك و دعائك». اطمینان به دو صورت است؛ صادق و کاذب. خواست و مطلوب همه انسانها اطمینان و آرامش است، اما گاهی به اطمینان کاذب می‌رسند، ولی فکر می‌کنند به اطمینان صادق رسیده‌اند، اطمینان کاذب از سر غفلت و مشغول شدن به لذات دنیوی است.<sup>۹</sup>

در زیارت امین الله امام سجاد علی‌الله علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فاجعِلْ نَفْسِي... مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَاءِكَ»؛ خدایا مرا مشتاق دیدارت همراه با شادی بگردان. ملاقات با خدا دو نوع است زیرا طبق قرآن همه انسان‌ها به سوی پروردگار در حرکتند و او را ملاقات می‌کنند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶)، اما مسلماً همه به یک صورت دیدار ندارند، چنانچه در آیات بعدی دو دسته از افراد را نام برده است کسانی که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود که قطعاً همان کسانی هستند که خدا را با شادی، سرور و صفات جمالش ملاقات می‌کنند و افرادی که نامه اعمالشان از پشت سرshan به آنها داده می‌شود که نتیجتاً ملاقات کنندگان با غضب پروردگار و صفات قهریه او هستند.

امام سجاد علی‌الله علیه السلام به زائر یاد می‌دهند لقاء با شادی را از خدا بخواهد و اشتیاق برای این ملاقات را درخواست کنند؛ چرا که این شوق و اشتیاق آثار فراوانی در زندگی دنیوی و اخروی دارد. در فرازهای قبلی دعا به این آثار پرداخته است، از جمله اطمینان به قدر خدا و رضایت به قضای الهی «اللَّهُمَّ فاجعِلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِ رَاضِيَةِ بِقَضَائِكَ» با شوق الى الله دل به مقدرات آرام می‌گیرد و به رضای الهی راضی می‌شود. امام سجاد علی‌الله علیه السلام در آخر دعای ابو حمزه ثمالي طلب

در خواستی را از خداوند می‌آموزد که مایه آرامش و اطمینان در زندگی است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قُلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رَضِّنِي مِنَ الْعِيشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي...» (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۰۳)

این رضایت به تقدیر در زندگی در پرتو شوق به لقاء الهی با شادی میسر و آسان می‌شود و آدمی در این مسیری که خداوند برایش تعیین کرده است، اگر درست قدم بردارد، در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین پیشرفت را خواهد داشت تا به هدف نهایی خلقت خود، یعنی بندگی و ملاقات با خدا توأم با شادی برسد.

### ۲.۳.۲- حریص به ذکر الهی

امام سجاد علیه السلام در ادامه زیارت امین الله می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فاجعِلْ نَفْسِي... مَوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ»؛ خدایا مرا حریص به ذکر و خواندن خودت، قرار بده. در قرآن نیز آمده: «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَّلِّـلِ إِلَيْهِ تَبَّـلِّـلًا» (مزمل/۸)؛ یعنی نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او پرداز. مراد از «تبتل»، تضرع و زاری لفظی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۶۴). همان طور که یاد خدا اثراتی دارد از جمله آرامش، توکل، رضایت از زندگی و پیدایش شرح صدر؛ روی برگرداندن از ذکر او نیز تع Batesی دارد، از جمله ضيق صدر یا تنگ شدن سینه، به عبارتی سخت شدن زندگی. از دیگر تبعات آن کوری در آخرت است: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴). معنای زندگی تنگ، نارضایتی نسبت به آنچه فرد دارد، و دلبستگی به آنچه ندارد، است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۲۶). پس کسی که همواره به یاد خدا باشد (ذکر دائم) در نتیجه از زندگیش راضی می‌شود، چون طبق آیه فوق رضایتمندی از زندگی، از آثار ذکر است.

فردی که شوق دیدار محبوبی را در دل داشته باشد، بی اختیار، همواره به یاد او است، اگر آن محبوب؛ خالق، شاهد، شفیع، جمیل و دارای تمام کمالات نیز

باشد دیگر نیازی نیست محب تسبیح دست بگیرد تا ذکر خدا را فراموش نکند،  
بلکه لحظه‌ای بدون او به سر نمی‌برد. به قول بابا طاهر:

﴿۱۱۵﴾

خواشا آنان که الله یارشان بی  
بحمد و قل هو الله کارشان بی  
خواشا آنان که دائم در نمازند  
بهشت جاودان بازارشان بی

عدم غفلت از یاد محبوب حقیقت ذکر الهی است «الذکر حضور المعنی للنفس» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۳۷) یا «الذکر حضور المذکور عند الذاکر» دلی این چنین تا زمانی که به یاد او است آرامش دارد **﴿أَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ﴾** (رعد/۲۸). از این رو در دنیا پرتلاطم امروز که همه به دنبال آرامش می‌گردند یاد خدا بهترین منبع آرامش حقيقی است.

از قول امیر المؤمنین علیه السلام: «ذِكْرُ اللهِ جَلَاءُ الصُّدُورِ وَ طُمَانِيَّةُ الْقُلُوبِ» (لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶۹). سینه انسان (صدر) در اینجا مقام نفس است که در دنیا آلوده می‌شود. در این صورت دیگر تبعیت ندارد، پاک کردن زنگارش به ذکر خدا است؛ ذکری که موجب آرامش درونی و اطمینان خاطر نیز می‌شود. کسی که به یاد دارد شاهدی همواره مراقب او است، آرامش دارد. چون می‌داند هر کارخوبی که می‌کند همواره دیده می‌شود. در نتیجه بدون آنکه کسی متوجه شود و بدون منت اتفاق می‌کند وجودش برای سایرین مفید است، غم و اندوه دیگران را برطرف می‌نماید و در رفع مشکلاتشان کوشاست. به یاد دارد کارهایش دیده شده و مزدش به موقع پرداخت خواهد شد. استاد سخن سعدی شیرازی این شهود را در نظر داشته که گفته:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز      که ایزد در بیابان دهد باز  
همچنین طبق حدیث امیر المؤمنین علیه السلام یاد خدا دور کننده سختی‌ها و  
فساره است «ذکر الله طارد لأدواء و البؤس» (همان). خداوند از مهم‌ترین شهود است و اشتیاق به ملاقات او، مصائب زندگی را آسان می‌نماید. زیرا انسان به

### ۳.۳.۲- صبور شدن در بلاها

شوق لقای او سرنوشت خویش را پذیرفته، و باور دارد آن چه حکیم قادر برایش مقدار ساخته خیر و صلاح او است.

از دیگر آثار توجه به حضور شاهدان و اشتیاق دیدار خداوند، صبور شدن در بلاهاست. به شوق دیدار او تحمل تلخی صبر آسان‌تر می‌شود. از طرفی همین صبر ایجاد معیت با خداوند می‌کند: **﴿وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾** (الفاطمیات/٤٦) از این رو می‌تواند مسیر لقاء الله را هموار کند. پس کسی که طبق دعای امام سجاد علیہ السلام در زیارت امین الله حریص به ذکر شد، به دنبالش صبور نیز می‌گردد: «صابرة على نزول بلائك». همان طور که در قرآن نیز آمده صبر انسان جز به توفیق خدا نیست **﴿وَاصْبِرْ وَ مَا صَبَرْكَ إِلَّا بِاللَّهِ...﴾** (نحل/١٢٧)؛ یعنی نیروی صبر به توفیق و تثیت خداوند است و ارتباط خدا با قلب (زمخشی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۵)، بنابراین فرد ذاکر خداوند همواره منتظر توفیق خدا برای صبر نیز هست و این ارتباط قلبی با خدا برای دریافت صبر، به گرفتن آن کمک می‌کند. صبر برای تحمل مشکلات زندگی از ضروریات است و خداوند آن را در دو آیه قرآن از عوامل استواری در کارها نامیده است: **﴿وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾** (لقمان/١٧) **﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾** (شوری/۴۳) زندگی دنیا که همراه با انواع سختی‌ها، دردها و رنج‌هاست جز با صبر و پذیرش اتفاق هر لحظه آسان نمی‌شود.

### ۴.۳.۲- شکرگزاری

به دنبال صبر، شکرگزاری می‌آید، در زیارت امین الله نیز پس از طلب صبر در بلاها، درخواست شکر در نعمت‌ها مطرح شده است: «شاکرۀ لفواضل نعمائک». حقیقت شکر این است که نعمت خدا در جای خود صرف شود و اگر این عمل صورت گیرد، اثرات مثبتی بر زندگی دنیوی افراد دارد، از جمله مانع اسراف و

تبذیر می‌گردد، چون هر نعمتی به جا صرف می‌شود. حتی نیروهای وجود انسان هر ز نمی‌رود و در مسیر صحیح خاص خود قرار می‌گیرد. از طرفی شکر، باعث برکت و فزونی نعم الهی می‌شود. چنانچه خداوند با تأکید و عده فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم/۷)، این‌ها یعنی بهبود شرایط زندگی. به تبع آن احساس رضایت از زندگی روزافزون شده، میزان افسردگی به ویژه در نسل جوان کمتر می‌شود. بنابر نتایج به دست آمده از این نوشتار، به خلاف تصور جوانان که فکر می‌کنند برای شادابی و نشاط دنیوی باید به مسائل مربوط به قیامت و شهود شاهدان و... فکر نکنند و در زندگی روزانه خود با این مباحث کاری نداشته باشند، با یادآوری شهود شاهدان انگیزه برای انجام اعمال صالح بالا رفته، تمایل به انجام گناه و خلاف کاهش می‌باید. از این رو افراد جامعه از یکدیگر امنیت و آسایش دریافت می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

بنابر نقل آیات قرآن و روایات ائمه علیهم السلام، شاهدان قیامت متعددند و با شهادت آنها، راه عذر و انکار بر انسان بسته می‌شود. در این میان بیشترین تأکید بر شهادت شاهدان زنده و عالم به علم الهی بر امت‌ها یعنی حجت، امام و رسول هر امت شده است. این افراد و فرشتگان که دارای دو صفت علم و شهادت هستند، در دنیا شاهد بر اعمال مردم هستند و در قیامت شهادت می‌دهند و اذن شفاعت نیز دارند. خداوند برای اتمام حجت و تأکید بیشتر، علاوه بر شهادت خود و این دسته از شهود، شاهدان دیگری نیز قرار داده است، از جمله زمین، زمان، قرآن، اعضاء و جوارح آدمی و اعمال تعجمی یافته انسان‌ها.

وجود شاهدان قیامت در تربیت و سازندگی کسی که آنان را به درستی بشناسد و باور کند، مؤثر است؛ زیرا یقین دارد، آنچه در دنیا انجام می‌دهد، یا به آن فکر می‌کند، بی کم و کاست ثبت و ضبط شده، شاهدان قوی به آن شهادت

می‌دهند. در نتیجه لحظه به لحظه مراقبت از فکر و عمل خود دارد؛ از منفی آن اجتناب نموده و به جنبه‌های مثبت آن، یعنی ترک گناه و مردم‌آزاری، انجام هر چه بیشتر اعمال خیر برای سایرین به قصد قرب الی الله و روسفیدی نزد شاهدان می‌پردازد. به این ترتیب مراتب پاکی اعضا و جوارح و سپس طهارت خیال (فکر)، قلب، عقل و روح را کسب می‌کند. از این رو ایمان به شهادت شاهدان از عوامل مؤثر در بهبود کیفیت زندگی دنیوی است. زیرا کسی که به این مرحله رسید دیگران از او در امنیت و آسایش هستند، پس به معنای واقعی کلمه مؤمن شده است.

افزایش اعمال صالح که در معتقدان به شهود شاهدان اتفاق می‌افتد، در بهبود زندگی فردی و اجتماعی معتقدان و روابط آنان با دیگران مؤثر است و آثاری در پی دارد که منجر به آرامش و امید در زندگی دنیوی و سعادت اخروی می‌گردد. یکی از این آثار با استناد به آیه آخر سوره کهف، از دیاد امید به ملاقات با خدا با حالت شادی و سرور است. این امیدواری پیامدهایی بر گرفته از زیارت امین الله در زندگی دارد که عبارتند از:

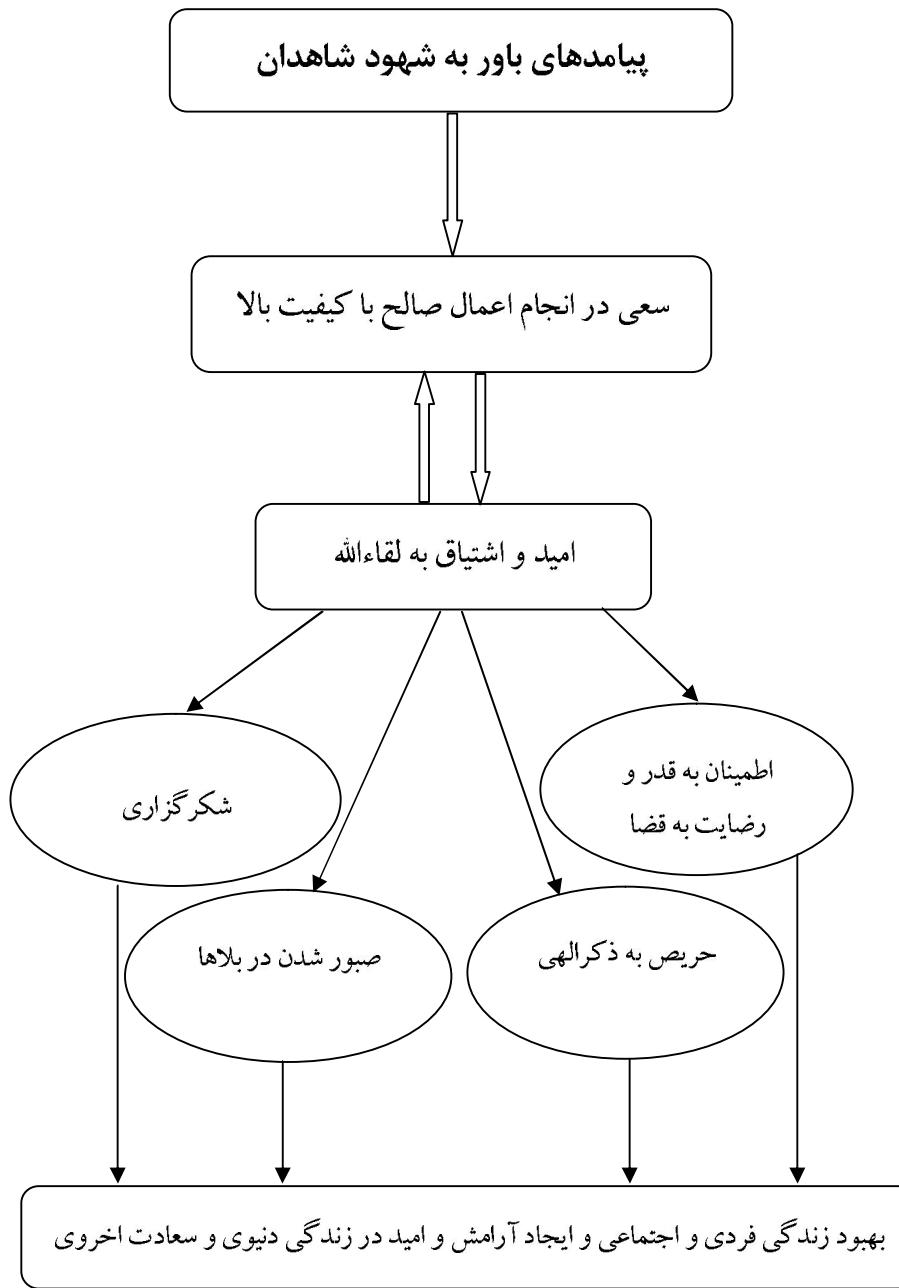
۱. رضایت و اطمینان به سرنوشت، یا به عبارتی قضا و قدر الهی. این احساس رضایت‌مندی در زندگی فرد، آرامش آفرین است و انسان ضمن تلاش برای بهبود زندگی، اطمینان می‌یابد آنچه قادر حکیم برایش رقم زده بهترین تقدیر بوده است. از این رو زندگی برایش شیرین می‌شود.
۲. تمایل به زنده نگه داشتن یاد خداوند در دل به طور مداوم و مناجات با او. زیرا فردی که امید دیدار کسی را در دل می‌بروراند، لحظه‌ای از یاد او غافل نیست و این حقیقت ذکر الهی است.
۳. صبور شدن در برابر سختی‌های زندگی. صبر از آثار ذکر و امید به لقاء الله است، همچنین از توفیقات خداوند است. کسی که باور دارد شهود سختی‌ها و صبر او را شاهدند تحمل سختی‌ها برایش آسان‌تر می‌شود.

#### ۴. شکرگزاری و به تبع آن از دیاد نعمت.

مجموع پیامدهای مذکور، زندگی دنیوی را شیرین و توأم با آرامش می‌کند و دشمنی‌ها و کینه‌ها را با صبر و آرامش بر طرف نموده و رضایت و دوستی در زندگی ایجاد می‌کند. از این رو افراد خانواده و جامعه از هم ایمن هستند، چراکه به شهود شاهدان در هر لحظه باور دارند.

برای تبیین بهتر مسأله، ارتباط موارد مذکور در شکل‌هایی نشان داده شده است. نحوه به دست آمدن این ارتباطات از آیات و کلام امام علی<sup>ع</sup> در قسمت «امید به ملاقات خداوند» و «آثار باور به وجود شاهدان و اشتیاق به لقاء الله با استفاده از زیارت امین الله» بیان شده است.

﴿۱۲۰﴾



## پی‌نوشت‌ها

۱. نام منطقه وسیعی در عرفات که با علائم خاصی به عنوان نمیرات مشخص شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

۲. آیاتی که دلالت بر تسبیح موجودات دارد: حدید/۱؛ اسری/۴۴؛ رعد/۱۳ و ۱۵؛ نور/۴۱؛ انبیاء/۷۹؛ حج/۱۸ و آیاتی که دلالت بر درک و شعور موجودات دارد عبارتند از: بقره/۷۴؛ نمل/۱۷ و ۱۸ و ۱۹؛ حشر/۲۱؛ مریم/۹۰؛ نور/۲۴؛ یس/۶۵ و ۸۲؛ فصلت/۲۱ و ۱۱؛ زلزال/۴ و ۵؛ انبیاء/۶۹؛ هود/۴۴.

۳. از آنجا که برخی از اهل سنت در مسأله شفاعت شبهه ایجاد می‌کنند، تعریف شفاعت از بین مفسران همان گروه انتخاب شد.

۴. «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۳۳) و شبیه به این عبارت در بیش از بیست آیه از قرآن آمده است، که نشانه تأکید خداوند به این امر است.

۵. چنانچه در تفاسیر آمده آیه ۳۳ سوره احزاب در مورد طهارت اهل بیت ﷺ از هر نوع آلوگی و گناه نازل شده و عصمت آنان را ثابت می‌کند. تفاسیر شیعی مصدق اهل بیت ﷺ را آئمه اعلیّ به ویژه خمسه طیبه می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۱۲).

۶. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أَمَةً وَسَطَا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً...» (بقره/۱۴۳).

۷. نوعی از این حالات در علم تحت عنوان تله‌پاتی به اثبات رسیده است.

۸. [یازگشتنگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردن و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

۹. «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَأَطْمَأْنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ إِيمَانِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَا وَهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس/۷ و ۸).

## منابع و مأخذ

### • قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیہ.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا)، ثواب الأفعال و عقاب الأفعال، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی صدقوق.

۳. ——— (۱۴۱۳ق)، من لا يحضره الفقيه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

٥. ابن طاووس، على بن موسى (١٣٧٦)، محاسبة النفس، تصحیح زین الدین بن علی شهید ثانی، ابراهیم بن علی کفعی، تهران، مرتضوی.
٦. امین، نصرت (١٣٦١)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
٧. بحرانی، سید هاشم (١٤١٦ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
٨. پرچم، اعظم (١٣٨٢)، بررسی تطبیقی مسایل وحی و نبوّت از دیدگاه قرآن و عهده‌دین، اصفهان، کنکاش.
٩. پژوهشکده تحقیقات اسلامی (١٣٨٦)، فرهنگ شیعه، قم، زمزم هدایت، چاپ دوم.
١٠. تمییز آمدی، عبد الواحد (١٤١٠ق)، غرر الحكم و درر الكلم، تصحیح سید مهدی رجائی، قم، دار الكتاب الإسلامی.
١١. جوادی آملی، عبدالله (١٣٨٣)، عرفان حج، قم، نشر مشعر، چاپ دوازدهم.
١٢. رشید رضا، محمد (١٣٥٤ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
١٣. زمخشیری، محمود (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بیروت، دار الكتاب العربي.
١٤. سیوطی، جلال الدین (١٤٠٤ق)، الدر المنشور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
١٥. طباطبائی، سید محمد حسین (١٤١٧ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
١٦. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٧٧)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
١٧. ——— (١٣٧٢)، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
١٨. طوسي، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
١٩. طیب، سید عبدالحسین (١٣٧٨)، اطیب البيان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
٢٠. عروسى حويزی، عبد علی بن جمعه (١٤١٥ق)، تفسیر سور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان.
٢١. فيض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (١٤٠٦ق)، السوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب.
٢٢. فيض کاشانی، ملا محسن (١٤١٥ق)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات صدر.
٢٣. کاشانی، ملا فتح‌الله (١٢٣٦)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
٢٤. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الكتاب الإسلامیه.

٢٥. ليثي واسطى، على بن محمد (١٣٧٦)، *عيون الحكم و المواتظ* (لليثى)، تصحیح حسین حسنی بیرجندي، قم، دارالحدیث.
٢٦. محمدی ری شهری، محمد (١٣٦٢)، *میزان الحكمه*، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
٢٧. مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
٢٨. ----- (١٤٢٣ق)، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، مصحح: علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
٢٩. مفیدی، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، *الأمالی* (للمفید)، مصحح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
٣٠. مبیدی، رشیدالدین احمد (١٣٧١)، *كشف الأسرار و عدة الأبرار*، محقق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم.

